

مدیریت ورزشی - بهمن و اسفند ۱۳۹۴
دوره ۷، شماره ۶، ص: ۸۹۱-۹۰۴
تاریخ دریافت: ۹۳/۰۱/۲۷
تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۳/۰۳

بررسی ابعاد معافیت‌های مالیاتی در ورزش ایران از دیدگاه مدیران

باشگاه‌ها و کارشناسان ورزشی

کمیل داستانی^۱ - غلامعلی کارگر^۲ - حسین زارعیان^{۳*}

۱. کارشناس ارشد مدیریت ورزشی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران ۲. دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی،

تهران، ایران ۳. استادیار پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی، تهران، ایران

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی ابعاد معافیت‌های مالیاتی در ورزش ایران از دیدگاه مدیران باشگاه‌ها و کارشناسان ورزشی بود. روش تحقیق توصیفی و از نوع همبستگی، و جامعه آماری شامل مدیران باشگاه‌ها و کارشناسان ورزشی سه استان تهران، اصفهان و فارس بود. نمونه آماری مدیران برابر با جامعه آماری (N=n=۲۵ نفر) و نمونه آماری کارشناسان ورزشی به صورت تصادفی در دسترس (n=۳۰) انتخاب شد. ابعاد معافیت‌های مالیاتی در ورزش ایران با استفاده از پرسشنامه ۲۰ سؤالی محقق ساخته بررسی شد. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه را پانزده نفر از استادان صاحب نظر تأیید کردند. ضریب پایایی پرسشنامه $\alpha = 0/86$ به دست آمد. یافته‌ها نشان داد که معافیت‌های مالیاتی در ورزش از دیدگاه مدیران باشگاه‌ها و کارشناسان ورزشی در حد قابل قبولی قرار ندارد. همچنین ضریب مسیر مبنای معافیت‌های مالیاتی و معافیت‌های مالیاتی کل، ضریب مسیر معافیت‌های مالیاتی پایه درآمدی و معافیت‌های مالیاتی کل و ضریب مسیر معافیت‌های مالیاتی موضوعی و معافیت‌های مالیاتی کل تأیید شد. پیشنهاد می‌شود نهادهای قانونگذار مالیاتی ایران، به خصوص قسمت‌های مربوط به معافیت‌ها، به بررسی مجدد معافیت‌های مربوط به بخش ورزش کشور بپردازند و زمینه حضور بخش خصوصی در ورزش را هموار سازند.

واژه‌های کلیدی

پایه درآمدی، کارشناسان، مالیاتی، مدیران، معافیت، موضوعی.

مقدمه

مالیات وجوهی است که مردم یا بنگاه‌های اقتصادی، یعنی اشخاص حقیقی یا حقوقی بنابر قانون ملزم به پرداخت آن به دولت‌اند و معمولاً بدون چشم‌داشت به خدمت معینی پرداخت می‌شود. این پرداخت می‌تواند از سر میل و رغبت یا با اکراه صورت گیرد (۲). اخذ مالیات از یک فعالیت خاص یا اعطای معافیت مالیاتی به آن بیشتر در جهت تخصیص بهینه منابع صورت می‌گیرد. علاوه بر این، اعطای معافیت مالیاتی به برخی فعالیت‌ها در مناطق خاص، علاوه بر هدف تخصیص منابع، هدف توزیعی را دنبال می‌کند. به همین منظور، دولت‌ها در چارچوب قوانین مالیاتی برحسب شرایط موجود به اخذ مالیات یا اعطای معافیت مالیاتی می‌پردازند تا ضمن دستیابی به اهداف درآمدی و عدالت اجتماعی، جهت‌دهی به فعالیت‌های اقتصادی را نیز پوشش دهند. البته اعطای معافیت‌ها و تعیین حد و مرز آنها در کشورهای مختلف با توجه به اهدافی که آن جامعه تعقیب می‌کند، متفاوت است (۱). در این زمینه، انتخاب پایه مالیاتی و نرخ متناسب با آن یکی از اقدام‌های مهم نظام مالیاتی هر کشور است که باید به‌درستی صورت پذیرد. با توجه به این مطلب، اهمیت معافیت‌ها و بخشودگی‌های اعطاشده در نظام مالیاتی مشخص می‌شود و به همین دلیل انتخاب هدف و موارد بخشودگی یا معافیت کار بسیار پیچیده‌ای است که باید از طریق مطالعات دقیق کارشناسی صورت پذیرد. بدیهی است که با تغییر شرایط حاکم بر اقتصاد کشور موارد استثنا و معافیت نیز باید بازنگری شود، زیرا استفاده نامناسب از معافیت مالیاتی ضمن کاهش درآمدهای مالیاتی دولت می‌تواند موجب افزایش روزه‌های فرار مالیاتی شود (۸). معافیت‌های مالیاتی براساس تعریف، تخفیف قسمتی یا حتی کل مالیات حقه یک شخصیت حقیقی یا حقوقی برای مدت طولانی یا کوتاه‌مدت است و به‌عنوان ابزار حمایتی متداول در کنار سیاست‌های حمایتی توسط دولت به‌کار گرفته می‌شود. استفاده از این سیاست در هر مورد، توجیهات اقتصادی و اجتماعی خاص خود را دارد، اما در هر حال معافیت مالیاتی برای حمایت از یک منطقه مشخص، فعالیت ویژه یا به‌منظور کمک به قشری خاص اعطا می‌شود (۱۰). معافیت‌ها با توجه به اهداف توزیع درآمد و تخصیص بهینه منابع و جهت بخشیدن به فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، متناسب با اهداف هر جامعه، به روش‌های گوناگون اعمال می‌شوند. متداول‌ترین این روش‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. دسته اول، معافیت‌هایی که پس از حصول درآمد و ثمربخشی فعالیت اقتصادی اعطا می‌شود که هدف عدالت اجتماعی و بهبود توزیع درآمد را دنبال می‌کند. دسته دوم، معافیت‌هایی که قبل از هر گونه سرمایه‌گذاری و به‌منظور جهت‌دهی به روند سرمایه‌گذاری اعطا می‌شوند (۱). به بیان ساده‌تر،

معافیت‌های دسته اول در قالب معافیت‌های پایه درآمدی و دسته دوم در قالب معافیت‌های موضوعی اعمال می‌شوند. معافیت‌های پایه درآمدی به قسمتی از درآمد افراد تعلق می‌گیرد و برحسب میزان درآمد اشخاص حقیقی و حقوقی در محدوده سقف و کف درآمدی، درصدی از درآمد از پرداخت مالیات معاف است. نحوه انتخاب اشکال مختلف این معافیت براساس شرایط کشورها صورت می‌گیرد؛ به‌طور کلی این معافیت‌ها به سه روش اعطا می‌شوند: ۱. اعطای معافیت براساس ترکیب هزینه و درآمد، ۲. اعطای معافیت براساس حداقل درآمد، ۳. اعطای معافیت براساس هزینه‌های استاندارد شده (۶).

معافیت‌های موضوعی، معافیت‌هایی هستند که به‌منظور تأمین اهداف برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و ضروریات موجود صورت می‌پذیرند. اهداف اولیه اعطای این نوع معافیت‌ها رونق بخشیدن به بخشی از فعالیت‌های اقتصادی، جهت‌دهی به جریان سرمایه و ایجاد انگیزه به‌منظور سرمایه‌گذاری‌های خاص بوده است. اعطای این معافیت‌ها به دو شکل انجام می‌پذیرد: ۱. اعطای معافیت بخشی، ۲. اعطای معافیت به سرمایه‌گذاری‌های خاص (۶).

معافیت مالیاتی به‌عنوان یک ابزار حمایتی متداول در کنار سایر سیاست‌های حمایتی، توسط دولت به‌کار گرفته می‌شود. یکی از مسائلی که در مورد معافیت‌ها وجود دارد این است که به‌دلیل محدود بودن منابع مالی نمی‌توان به همه فعالیت‌ها یا بخش‌ها معافیت داد، بلکه به بخش‌هایی که اهداف دولت‌ها را بیشتر تأمین می‌کند معافیت داده می‌شود. در هر حال معافیت مالیاتی برای این موارد اعطا می‌شود: ۱. تشویق سرمایه‌گذاری، ۲. تشویق صادرات، ۳. توسعه اقتصادی منطقه خاص. ورزش به فعالیت جسمانی توأم با قوانین و مقررات گفته می‌شود که به‌وسیله آن، افراد با یکدیگر به رقابت می‌پردازند (۶). صنعتی شدن ورزش و تفریحات سالم، یکی از رویدادهای مهم قرن گذشته به‌شمار می‌رود. مولین^۱ (۱۹۸۳) برای اولین بار از ورزش به‌عنوان یک صنعت یاد کرد. او اشاره کرد هر گونه فعالیت ورزشی آماتور و حرفه‌ای که موجبات افزایش ارزش افزوده کالا و خدمات ورزشی را فراهم کند، صنعت ورزش محسوب می‌شود (۷).

صنعت ورزش با داشتن عامل محرکی مانند برگزاری مسابقات بزرگ ورزشی، امکان بهره‌گیری از فرصت‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای را فراهم کرده که این موضوع موجب ایجاد بستر لازم برای تعامل بین صنعت، تجارت و ورزش شده است (۱۱). سازمان‌ها به‌دلیل مشکلاتی مانند نداشتن شناخت کافی مردم از شرکت، ازدحام تبلیغات، مشکل دسترسی به مشتریان بازار هدف و دیگر عوامل به مشارکت در فرایند حمایت ورزشی علاقه‌مند شده‌اند. در بخش ورزش نیز عواملی مانند حرفه‌ای شدن، افزایش هزینه‌های

برگزاری مسابقات، محدود بودن بودجه تخصیصی و تأکید دولت مبنی بر خصوصی‌سازی، محیط و بستری را برای شرکت‌ها فراهم کرده است تا حمایت ورزشی را راه‌حل جدیدی به‌سوی وضعیت مطلوب به‌حساب آورند (۴). در کشورهای پیشرفته ارزش افزوده صنعت ورزش بخش شایان توجهی از محصول ناخالص داخلی^۱ (GDP) را تشکیل می‌دهد و نقش مهمی در ایجاد درآمد، اشتغال و نیز تفریح و سرگرمی دارد (۵). مطالعات اخیر حاکی است که سهم صنعت ورزش از GDP کشورهای مختلف حدود ۰/۷۵ تا ۴/۴ درصد است. در حالی که سهم این صنعت از GDP ایران ۱/۱ درصد به‌طور معناداری کمتر از شاخص جهانی است (۹). نقش باشگاه‌ها در صنعت ورزش، اهمیت بیشتری دارد، به‌طوری‌که باشگاه‌های حرفه‌ای ورزشی، هسته اصلی آن به‌شمار می‌روند. ریشه و هسته اصلی توسعه ورزش حرفه‌ای در درون باشگاه‌ها شکل می‌گیرد و زیرساخت اصلی صنعت ورزش، باشگاه‌هایی هستند که به‌مثابه کارخانه‌های تولیدی و بنگاه‌های اقتصادی این صنعت عمل می‌کنند (۳). ارتباط باشگاه‌های ورزشی با مراجع دولتی، موضوعی است که هنوز در بعضی کشورها به‌صورت روشن و مشخص تعریف نشده است. بنابراین در بسیاری از موارد این موضوع به‌صورت معضلی اجتماعی نمود می‌یابد و هزینه‌های زیادی را به خود اختصاص می‌دهد. به هر حال دولت‌ها به دلایل مختلف تمایل دارند در امور ورزشی وارد شوند (۳). در تحقیق حاضر ابعاد معافیت‌های مالیاتی در ورزش ایران بررسی شده است. موضوع مالیات و معافیت‌های مالیاتی در تمامی مطالعاتی که تا کنون صورت گرفته متوجه بخش کشاورزی، خصوصی‌سازی و دیگر صنایع بوده و تا کنون در بخش ورزش تحقیقی صورت نگرفته است. با توجه به نقش انکارناپذیر معافیت‌های مالیاتی بر رشد و پیشرفت ورزش کشور و همچنین تأثیر تربیت بدنی و ورزش بر سلامت جسمی و روحی افراد کشور و کاهش هزینه‌های درمان و پزشکی، سؤالاتی برای محقق به‌وجود می‌آید: آیا بین میانگین مشاهده‌شده با میانگین فرضی مؤلفه‌های معافیت‌های مالیاتی در ورزش تفاوت وجود دارد یا خیر؟ وضعیت معافیت‌های مالیاتی پایه درآمدی در ورزش کشور چگونه است؟ وضعیت معافیت‌های مالیاتی موضوعی در ورزش کشور چگونه است؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی و از نظر هدف کاربردی است که به‌صورت پیمایشی انجام گرفت. جامعه آماری تحقیق شامل مدیران باشگاه‌های ورزشی مستقر در سه استان تهران، اصفهان و

1. Gross Domestic Production

فارس و همچنین کارشناسان ورزشی، شامل افرادی که در باشگاه‌های ورزشی مشغول به فعالیت بوده یا اینکه استادان دانشگاه بودند و مدرک کارشناسی ارشد یا دکتری مدیریت ورزشی، مدیریت یا اقتصاد داشتند و همچنین آشنا به مسائل روز ورزش بودند، به دلیل پایین بودن حجم جامعه آماری مدیران باشگاه‌ها، نمونه مدیران باشگاه‌ها به صورت تمام‌شمار ($N=n=25$) و حجم نمونه کارشناسان ورزشی به صورت نمونه‌های در دسترس ($n=30$) به دست آمد. به منظور بررسی معافیت‌های مالیاتی در ورزش ایران از پرسشنامه ۲۰ سؤالی محقق‌ساخته، استفاده شد. این پرسشنامه حاوی ۱۹ سؤال در مقیاس ۵ ارزشی لیکرت و یک سؤال پاسخ باز به منظور معنا بخشیدن هرچه بیشتر به پرسشنامه است. پس از لحاظ و بررسی نظر پانزده نفر از صاحب‌نظران، به منظور تأیید روایی صوری و محتوایی ابزار، پرسشنامه نهایی تنظیم شد و در اختیار نمونه آماری تحقیق قرار گرفت. پایایی به دست آمده به وسیله ضریب همبستگی آلفای کرونباخ $\alpha = 0/86$ به دست آمد. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات تحقیق از نرم‌افزار SPSS18 و PLS استفاده شد. برای توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و همچنین میزان اهمیت متغیرها از روش‌های آمار توصیفی (فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد) و برای تعیین میزان پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف و برای تعیین توزیع طبیعی داده‌ها، از آزمون‌های t مستقل، تجزیه و تحلیل آنوای یکطرفه (ANOVA) و آزمون تعقیبی توکی و آزمون t تک‌نمونه‌ای در سطح معناداری $P \leq 0/05$ استفاده شد.

نتایج و یافته‌های تحقیق

در این بخش نخست به برخی ویژگی‌های فردی مدیران باشگاه‌ها و کارشناسان ورزشی و سپس به نتایج و یافته‌های تحقیق اشاره شد. با توجه به جدول ۱، از ۵۵ نفر مدیر و کارشناس که در این پژوهش شرکت داشتند، ۸۵/۴۵ درصد مرد و ۱۴/۵۵ درصد زن بودند و مدرک تحصیلی ۴۰ درصد از پاسخ‌دهندگان کارشناسی، ۳۸/۱۸ درصد کارشناسی ارشد و ۲۱/۸۲ درصد دارای مدرک دکتری بودند. رشته تحصیلی ۱۶/۳۶ درصد مدیران تربیت بدنی و ۲۹/۰۹ درصد غیر تربیت بدنی بود، در حالی که ۴۵/۴۵ درصد کارشناسان دارای رشته تحصیلی تربیت بدنی و تنها ۹/۰۹ درصد غیر تربیت بدنی بود. میانگین سنی مدیران باشگاه‌ها $3/70 \pm 52/84$ سال و میانگین سنی کارشناسان $6/62 \pm 47/16$ سال به دست آمد. همچنین میانگین سابقه خدمت مدیران $3/83 \pm 24/61$ سال و کارشناسان $5/95 \pm 17$ سال حاصل شد.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها

متغیر	فراوانی	درصد فراوانی	
جنسیت	مرد	۸۵/۴۵	
	زن	۱۴/۵۵	
	کاردانی	۰	
مدرک تحصیلی	کارشناسی	۴۰	
	کارشناسی‌ارشد	۳۸/۱۸	
	دکتری	۲۱/۸۲	
رشته تحصیلی	تربیت بدنی - مدیران	۱۶/۳۶	
	غیر تربیت بدنی - مدیران	۲۹/۰۹	
	تربیت بدنی - کارشناسان	۴۵/۴۵	
	غیر تربیت بدنی - کارشناسان	۹/۰۹	
سن	مدیران باشگاه‌ها	M±SD	
		حد اقل حداکثر	
	مدیران باشگاه‌ها	۵۲/۸۴±۳/۷۰	۶۱ ۴۶
	کارشناسان ورزشی	۴۷/۱۶±۶/۶۲	۵۹ ۲۸
سابقه خدمت	مدیران باشگاه‌ها	۲۴/۶۱±۳/۸۳	۳۲ ۱۶
	کارشناسان ورزشی	۱۷±۵/۹۵	۳۰ ۳

نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف نشان داد که توزیع داده پرسشنامه معافیت مالیاتی ($Z=۰/۵۱۴$) و ($P=۰/۷۳۲$) طبیعی بود. جدول ۲ نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای در خصوص وضعیت ابعاد معافیت‌های مالیاتی از دیدگاه مدیران باشگاه‌ها و کارشناسان ورزشی را نشان می‌دهد.

جدول ۲. آزمون t تک‌نمونه‌ای در خصوص تفاوت میانگین مشاهده‌شده با میانگین فرضی مؤلفه‌های معافیت‌های مالیاتی در ورزش

P	t	df	M±SD _{obs}	M _{cri}	شاخص
					متغیر
۰/۰۴*	۳/۱۴	۵۵	۲/۷۶ ± ۰/۲۳	۳	مبانی معافیت‌های مالیاتی
۰/۰۰۳*	۳/۲۲	۵۵	۲/۵۸ ± ۰/۲۴	۳	معافیت‌های مالیاتی پایه درآمدی
۰/۰۳*	۳/۳۵	۵۵	۲/۸۸ ± ۰/۲۱	۳	معافیت مالیاتی موضوعی
۰/۰۲*	۳/۴۱	۵۵	۲/۴۵ ± ۰/۳۸	۳	معافیت‌های مالیاتی کل

*در سطح $P \leq 0/05$ معنادار است.

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد بین میانگین مشاهده‌شده با میانگین فرضی خرده‌مقیاس مبانی معافیت‌های مالیاتی ($P \leq 0/05$ و $t(55)=3/14$) تفاوت معناداری وجود دارد. به‌طور کلی با توجه به پایین‌تر بودن میانگین مشاهده‌شده ($M_{obs}=2/76$) از میانگین فرضی ($M_{cri}=3$) می‌توان گفت وضعیت مبانی معافیت‌های مالیاتی در حد مطلوبی قرار ندارد. بین میانگین مشاهده‌شده با میانگین فرضی خرده‌مقیاس معافیت‌های مالیاتی پایه درآمدی ($P \leq 0/05$ و $t(55)=3/22$) تفاوت معناداری وجود دارد. به‌طور کلی با توجه به پایین‌تر بودن میانگین مشاهده‌شده ($M_{obs}=2/58$) از میانگین فرضی ($M_{cri}=3$) می‌توان گفت وضعیت معافیت‌های مالیاتی پایه درآمدی در حد مطلوبی قرار ندارد. بین میانگین مشاهده‌شده با میانگین فرضی خرده‌مقیاس معافیت مالیاتی موضوعی ($P \leq 0/05$ و $t(55)=3/35$) تفاوت معناداری وجود دارد. به‌طور کلی با توجه به پایین‌تر بودن میانگین مشاهده‌شده ($M_{obs}=2/88$) از میانگین فرضی ($M_{cri}=3$) می‌توان گفت وضعیت معافیت مالیاتی موضوعی در حد مطلوبی قرار ندارد. همچنین بین میانگین مشاهده‌شده با میانگین فرضی معافیت مالیاتی کل ($P \leq 0/05$ و $t(55)=3/41$) تفاوت معناداری وجود دارد. به‌طور کلی با توجه به پایین‌تر بودن میانگین مشاهده‌شده ($M_{obs}=2/45$) از میانگین فرضی ($M_{cri}=3$) می‌توان گفت وضعیت معافیت مالیاتی کل در حد مطلوبی قرار ندارد.

جدول ۳، شاخص^۱ AVE و پایایی ترکیبی^۲ سازه‌های پرسشنامه را نشان می‌دهد. AVE واریانس مستخرج برای هر سازه است. به عبارتی AVE نشان می‌دهد مجموعه سؤالات هر سازه تا چه حد واریانس هر سازه را پوشش داده است.

جدول ۳. شاخص AVE و پایایی ترکیبی سازه‌های پرسشنامه

ردیف	سازه	AVE	پایایی ترکیبی
۱	مبانی معافیت‌های مالیاتی	۰/۷۵	۰/۶۹
۲	معافیت‌های مالیاتی پایه درآمدی	۰/۷۸	۰/۷۲
۳	معافیت مالیاتی موضوعی	۰/۷۹	۰/۷۷
۴	معافیت مالیاتی کل	۰/۸۶	۰/۸۹

جدول ۴، الگوریتم مدل ساختاری بین عامل‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۴. الگوریتم مدل ساختاری بین عامل‌ها

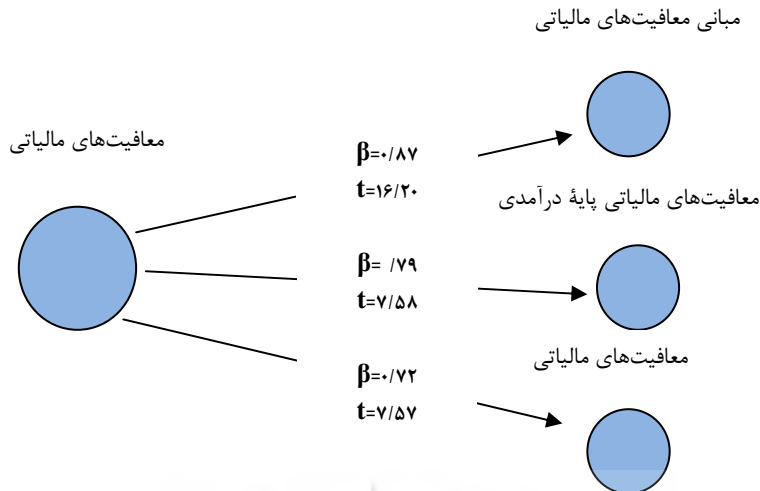
شاخص	مقدار برآورد	میانگین مؤلفه‌ها	خطای انحراف استاندارد	T-Statistic	نتیجه
مبانی معافیت‌های مالیاتی	۰/۶۷	۰/۳۹	۰/۲۱	۱۶/۲۰	تأیید *
معافیت‌های مالیاتی پایه درآمدی	۰/۶۹	۰/۴۴	۰/۲۸	۷/۵۸	تأیید *
معافیت مالیاتی کل	۰/۵۵	۰/۴۸	۰/۲۳	۷/۵۷	تأیید *

شکل ۱ الگوریتم مدل ساختاری شاخص‌های معافیت‌های مالیاتی ورزش کشور از دیدگاه مدیران باشگاه‌ها و کارشناسان ورزشی را نشان می‌دهد. باید توجه داشت ملاک تأیید شاخص‌ها بالاتر بودن T-Statistic از $\pm 1/96$ است.

نتایج شکل ۱ نشان می‌دهد الگوریتم مدل ساختاری در تمامی شاخص‌ها تأیید شد و در حد قابل قبولی قرار گرفت. همان‌طور که مشاهده می‌شود ضریب مسیر مبانی معافیت‌های مالیاتی و معافیت‌های مالیاتی کل ($\beta=0/87, t=16/20$)، ضریب مسیر معافیت‌های مالیاتی پایه درآمدی و معافیت‌های مالیاتی کل ($\beta=0/79, t=7/58$) و ضریب مسیر معافیت‌های مالیاتی موضوعی و معافیت‌های مالیاتی کل ($\beta=0/72, t=7/57$) بود.

1. Average Variance Extracted

2. Composite Reliability



*ملاک تأیید عامل‌ها بالاتر بودن T-Statistic از $(\pm 1/96)$ است.

شکل ۱. الگوریتم مدل ساختاری شاخص‌های معافیت‌های مالیاتی ورزش کشور از دیدگاه مدیران باشگاه‌ها و کارشناسان ورزشی

بحث و نتیجه‌گیری

در تمام کشورها سرمایه‌گذاری در بخش عمومی به حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم دولتی نیاز دارد. معافیت‌های مالیاتی به‌عنوان یک روش تشویقی برای بخش خصوصی نقش بسیار مهمی در تحریک سرمایه‌گذاری‌ها در این بخش دارد. باشگاه‌های خصوصی، کارخانه‌های صنعتی و غیرصنعتی یا هر شرکت و سازمانی که قصد حضور در ورزش را دارد، از ماده ۱۳۴ قانون مالیات‌های مستقیم از مجموعه قوانین و مقررات مالیاتی کشور استفاده می‌کند. براساس ماده ۱۳۴ قانون مالیات‌های مستقیم، درآمد حاصل از تعلیم و تربیت مدارس غیرانتفاعی اعم از ابتدایی، راهنمایی، متوسطه، فنی و حرفه‌ای، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی غیرانتفاعی و مهدهای کودک در مناطق کمتر توسعه‌یافته و روستاها و درآمد مؤسسات نگهداری معلولان ذهنی و حرکتی بابت نگهداری اشخاص مذکور که حسب مورد دارای پروانه فعالیت از مراجع ذی‌ربط هستند و همچنین درآمد باشگاه‌ها و مؤسسات ورزشی دارای مجوز از سازمان تربیت بدنی (وزارت ورزش و جوانان فعلی) حاصل از فعالیت‌های منحصراً ورزشی از پرداخت مالیات معاف است. بر مبنای نتایج این پژوهش، از دیدگاه مدیران باشگاه‌ها و کارشناسان ورزشی مبانی

معافیت‌های مالیاتی در ورزش ایران در حد قابل قبولی قرار ندارد و از آنجا که مبانی معافیت‌های مالیاتی موارد عادلانه بودن معافیت‌ها، خوداظهاری درآمدی در باشگاه‌های ورزشی، ضرورت مدنظر قرار دادن معافیت، عادلانه بودن نظام مالیاتی، جلوگیری از فرار مالیاتی باشگاه‌های ورزشی و میزان علاقه‌مندی به سرمایه‌گذاری در ورزش را شامل می‌شود می‌توان نتیجه گرفت معافیت‌های مالیاتی در ورزش ایران به‌صورت عادلانه اجرا نمی‌شود، خوداظهاری در باشگاه‌های ورزشی اجرا نمی‌شود یا به‌ندرت انجام می‌گیرد و در صورت اجرای صحیح معافیت‌ها شاهد جلوگیری از فرار مالیاتی باشگاه‌ها خواهیم بود. بنابر دلایل مختلف، مردم ایران بیشتر به‌دنبال دارایی‌های غیرمولد هستند تا دارایی‌های مالی. دارایی‌های غیرمولد (مانند طلا و جواهر) نیز به‌گسترش فرهنگ دلالتی و واسطه‌ای در کشور منجر شده است، به‌طوری‌که فقط ۱۰ درصد دارایی‌های کشور به‌صورت دارایی‌های مالی است، ولی در برخی کشورهای دنیا، نسبت دارایی‌های مالی به دارایی‌های واقعی ۶۰ به ۴۰ است. زمانی که یک باشگاه یا یک کارخانه، پول و سرمایه خود را وارد ورزش می‌کند، به‌دنبال دارایی‌های مالی است تا دارایی‌های غیرمولد، از این‌رو هر مقدار معافیت، تخفیفات یا امتیازهای مالیاتی در ورزش کشور از سوی قانونگذاران مالیاتی اعمال شود، به‌تبع دارایی‌های مالی نیز افزایش می‌یابد که این خود موجب توسعه ورزش کشور می‌شود.

یکی از اهداف ویژه تحقیق حاضر، مشخص کردن وضعیت معافیت‌های مالیاتی پایه درآمدی در ورزش ایران بود. تجزیه و تحلیل یافته‌ها نشان داد معافیت‌های مالیاتی پایه درآمدی در ورزش ایران از دیدگاه مدیران باشگاه‌ها و کارشناسان ورزشی در حد قابل قبولی قرار ندارد و از آنجا که معافیت‌های مالیاتی پایه درآمدی معافیت‌هایی هستند که پس از حصول درآمد و ثمربخشی فعالیت اقتصادی اعطا می‌شود که هدف عدالت اجتماعی و بهبود توزیع درآمد را دنبال می‌کند، از این‌رو باشگاه‌های خصوصی، کارخانه‌های صنعتی و غیرصنعتی با استناد به این معافیت وارد ورزش می‌شوند و سرمایه‌گذاری می‌کنند و هزینه‌های قابل قبول خود را افزایش می‌دهند و در نتیجه از معافیت مالیاتی بیشتری بهره می‌برند. دولت‌ها با اختصاص این معافیت به بخش‌هایی که ضعف دارند یا تضعیف شده‌اند و همچنین از نظر اقتصادی دچار مشکل شده‌اند، به هدف عدالت اجتماعی جامعه عمل پوشیده و بهبود توزیع درآمد را انجام می‌دهند. در کشور ما معافیت‌های مالیاتی گوناگونی وجود دارد، مثل معافیت در بخش کشاورزی، معافیت در بخش صنعت نفت، معافیت در بخش مناطق آزاد تجاری و معافیت در بخش ورزش (ماده ۱۳۴ قانون مالیات‌های مستقیم).

نتایج پژوهش نشان داد که از دیدگاه مدیران باشگاه‌ها و کارشناسان ورزشی، معافیت‌های مالیاتی موضوعی در حد قابل قبولی قرار ندارد. از آنجا که معافیت‌های موضوعی به‌منظور تأمین اهداف برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و ضروریات موجود صورت می‌پذیرد، اهداف اولیه اعطای این نوع معافیت‌ها رونق بخشیدن به بخشی از فعالیت‌های اقتصادی، سمت‌وسو بخشیدن به جریان سرمایه و ایجاد انگیزه به‌منظور سرمایه‌گذاری‌های خاص بوده است. ورزش کشور ما در سال‌های اخیر رونق مناسبی یافته است. این مطلب را مدیران باشگاه‌ها نیز در پاسخ به پرسش‌های پرسشنامه تأیید کرده‌اند. امید است با تمهیداتی که دولت اندیشیده است مثل همین معافیت‌های موضوعی، ورزش کشور رونق بیش از پیش پیدا کند. از طرف دیگر، معافیت موضوعی به دو شکل اعطای معافیت بخشی و اعطای معافیت به سرمایه‌گذاری‌های خاص انجام می‌گیرد، نمونه هر مورد در ورزش کشور وجود دارد. چون اعطای معافیت بخشی زمانی انجام می‌گیرد که بخش خاصی از اقتصاد، دچار رکود عملیاتی شدید شده و درآمدهای ناشی از آن بخش بسیار ناچیز است. از آنجا که به‌طور کلی ورزش کشور از نظر اقتصادی مشکلات فراوانی دارد و از نظر درآمد بسیار ضعیف است، اعطای معافیت بخشی کمک بسیار خوبی به توسعه ورزش کشور خواهد کرد که نتایج تحقیق حاضر نیز این مسئله را تأیید می‌کند. از طرف دیگر، به‌دلیل آنکه ورزش کشور جاذبه‌های سرمایه‌گذاری خود را از دست داده است، دولت با اعطای معافیت به سرمایه‌گذاری‌های خاص به ورزش کشور کمک می‌کند. نتایج تحقیق حاضر این مسئله را تأیید می‌کند. در پرسشنامه ابعاد معافیت مالیاتی یک سؤال پاسخ باز با عنوان: «لطفاً نظر خود را در خصوص نقش معافیت‌های مالیاتی بر توسعه ورزش کشور بیان نمایید» وجود داشت، که از مجموع جواب‌های مدیران باشگاه‌ها و کارشناسان نتایج زیر به‌دست آمد:

به‌نظر می‌رسد اگر این‌گونه معافیت‌های مالیاتی برای باشگاه‌هایی که در زمینه ورزش تلاش می‌کنند اعمال شود، انگیزه مناسبی به‌منظور ادامه کار آنها ایجاد می‌شود، ولی اینکه چقدر از این‌گونه معافیت‌های مالیاتی هم‌اکنون بر ورزش اعمال می‌شود، جای تأمل و سؤال دارد که ساده‌ترین جواب آن این است که نمی‌دانیم! قوانین مرتبط با باشگاه‌داری حرفه‌ای در کشور بسیار قدیمی‌اند. قانون فعلی برای ایجاد باشگاه‌های ورزشی، در سال ۱۳۶۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. آیین‌نامه مربوط به این قانون نیز در سال ۱۳۷۰ تهیه و تصویب شد. این قانون سرآغازی برای احیای فعالیت‌های باشگاه‌داری در کشور محسوب می‌شود، ولی تا کنون دست‌نخورده باقی مانده است و لزوم توجه به مسائل روز مانند مالکیت خصوصی یا تعاونی به‌منظور توسعه ورزش کشور در آن به‌شدت احساس

می‌شود. علاوه بر این، مطابق برنامه چهارم توسعه، پیش‌بینی می‌شد که در پایان برنامه، ۱۰۰ درصد فعالیت‌های ورزش حرفه‌ای به بخش خصوصی واگذار شود. بنابراین، مشاهده می‌شود که حتی براساس برنامه نیز جایگاهی برای بخش تعاونی و باشگاه‌های خصوصی در نظر گرفته نشده و اصولاً با قوانین و شرایط موجود در باشگاه‌داری حرفه‌ای کشور، هنوز تعریف مشخص و دقیقی از مالکیت تعاونی یا خصوصی ارائه نشده است. نتایج پژوهش حاضر نیز ضعف و کمبود معافیت‌های مالیاتی در قوانین و مقررات مالیاتی کشور مرتبط با حوزه ورزش را نشان داد. کارخانه‌های صنعتی و غیرصنعتی و همچنین باشگاه‌های خصوصی به استناد ماده ۱۳۴ قانون مالیات‌های مستقیم وارد عرصه ورزش می‌شوند و از معافیت‌های مالیاتی استفاده می‌کنند که خود، نوعی خصوصی‌سازی در ورزش به‌شمار می‌رود. در الزامات سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی نیز به این نکته اشاره شده و این مستلزم اصلاح قانون برنامه چهارم، اصلاح قانون بخش تعاونی و مالکیت شخصی و دیگر قوانین و مقرراتی است که به‌نحوی متأثر از سیاست‌های ابلاغی‌اند، ضمن آنکه سند ملی جدید توسعه بخش خصوصی و لایحه اصلاح قوانین و مقررات نیز باید تدوین شود و به تصویب برسد. نتایج تحقیق حاضر نشان‌دهنده کم بودن یا نامناسب بودن معافیت‌های مالیاتی در ورزش کشور است که این موضوع می‌تواند زنگ خطری برای مسئولان ورزشی کشور باشد.

با توجه به مدل پیشنهادی مدیران باشگاه‌ها و کارشناسان ورزشی در خصوص ابعاد معافیت‌های مالیاتی بر ورزش ایران، ضریب مسیر مبانی معافیت‌های مالیاتی و معافیت‌های مالیاتی کل $\beta=0/87$ به‌دست آمد. همچنین ضریب مسیر معافیت‌های مالیاتی پایه درآمدی و معافیت مالیاتی کل $\beta=0/79$ و ضریب مسیر معافیت مالیاتی موضوعی با معافیت‌های مالیاتی کل $\beta=0/72$ بود. با توجه به ضرایب مسیر بالای خرده‌مقیاس‌های معافیت مالیاتی می‌توان گفت تأثیر هر یک از این خرده‌مقیاس‌ها در بهبود وضعیت معافیت مالیاتی کل شایان ملاحظه است. نتایج تحقیقات مانوکیان سلماسی (۱۳۷۶)، قلیچی (۱۳۸۹)، ورگارا (۲۰۰۴) و هاوس و شاپیر (۲۰۰۶) نشان داد که اعمال معافیت مالیاتی بر صنایع و شرکت‌های مختلف یکی از دلایل رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در صنایع مختلف بوده است. اما نتایج نشان داد از دیدگاه مدیران باشگاه‌ها و کارشناسان ورزشی معافیت‌های مالیاتی در ورزش کشور در حد قابل قبولی قرار ندارد و می‌توان دریافت که یکی از عوامل مهم حضور ناکافی بخش خصوصی در ورزش کشور، ناتوانی معافیت‌های مالیاتی در برآورده کردن نیازهای صاحبان صنایع است. با توجه به نتایج این تحقیق پیشنهاد می‌شود نهادهای قانونگذار قوانین و مقررات مالیاتی کشور، به‌خصوص

قسمت‌های مربوط به معافیت‌ها، به بررسی مجدد معافیت‌هایی که به بخش ورزش اعطا می‌شود، بپردازند و اصلاحات و بازنگری‌های لازم را در این زمینه انجام دهند تا روزه‌روز شاهد پیشرفت ورزش کشور در عرصه ملی و بین‌المللی باشیم.

منابع و مأخذ

۱. آقایی، الله محمد. (۱۳۸۰). بررسی معافیت زیر بخش‌های کشاورزی در نظام مالیاتی ایران (برای وزارت اقتصادی و امور دارایی، معاونت امور اقتصادی). تهران: انتشارات پایگان، ص ۷۳-۷۰.
۲. توکلی، احمد. (۱۳۸۶). مالیه عمومی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ص ۳۸-۴۲.
۳. خبیری، محمد؛ الهی، علیرضا. (۱۳۸۴). مقایسه وضعیت باشگاه‌های لیگ حرفه‌ای فوتبال جمهوری اسلامی با توجه به معیارهای یوفا و باشگاه‌های منتخب ژاپن، کره جنوبی، امارات و ترکیه. فصلنامه پژوهش در علوم ورزشی، ش ۸، ص ۱۵-۳۳.
۴. رضوی، سید محمدحسین. (۱۳۸۵). خصوصی‌سازی، تمرکززدایی و انتقال وظایف ورزش قهرمانی به کمیته ملی المپیک. فصلنامه المپیک، ش ۶۵، ص ۳۳-۷۸.
۵. سازمان بورس اوراق بهادار تهران. (۱۳۸۱). تحول کسب‌وکار حرفه‌ای برای توسعه ظرفیت‌های اقتصادی ورزش. گزارش شناخت روش‌های باشگاه‌داری در اروپا، گزارش پژوهش سازمان بورس. ص ۱۰۷.
۶. سازمان تربیت بدنی و ورزش جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۸۱). "طرح اجمالی سند راهبرد توسعه نظام جامع تربیت بدنی و ورزش (جلد اول)". تهران: شرکت راد سامانه. ص ۲۱-۱.
۷. عسگریان، فریبا. (۱۳۸۴). بررسی وضعیت اقتصادی صنعت ورزش ایران در سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۷۷. نشریه حرکت، ش ۲۴، ص ۲۵-۴۴.
۸. علی دوست قهفرخی، ابراهیم. جلالی فراهانی، مجید. نادران، الیاس. (۱۳۸۹). موانع توسعه تعاونی‌های ورزشی در ورزش حرفه‌ای جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر سیاست‌های کلی اصل ۴۴. نشریه مدیریت ورزشی، ش ۷، ص ۲۳-۴۲.
۹. مانوکیان، سلماسی. (۱۳۷۶). بررسی اقتصادی معافیت‌های مالیاتی در قانون مالیات‌های مستقیم (بررسی موردی برای برنج و پسته). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی. ص ۶۴.

۱۰. نظری، علیرضا. (۱۳۹۰). لزوم ساماندهی معافیت‌های مالیاتی. مجله اقتصادی- ماهنامه مسائل و سیاست‌های اقتصادی (دفتر تحقیقات و سیاست‌های مالی)، ش ۱۱، ص ۱۴۵-۱۳۹.
11. Morgan, m. (1995). "marketing channels in professional sport Bournemouth university". Uk_ European congress on sport management. 14(2): 51-68.

